

دیوان خواجہ حسین مروی

از سرایندگان سدهٔ دهم هجری قمری

مقدمه و تصحیح و تحقیق

ذبیح الله حبیبی نژاد



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

مرکز آفرینش‌های ادبی



دیوان خواجه حسین مروی

از بزرگان سده دهم هجری قمری

مقدمه و تصحیح و تحقیق: ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد

ترجمه جلد محمود حسینی

چاپ، طراحی و چاپ: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول:

شمارگان: ۳۵۰۰

شابک: ۹۸۷-۰۰۰-۰۳-۰۲۶۵-۸

نقل و چاپ نوشته‌ها به شرط به‌جا آمدن مجازات رسمی از ناشر است.

سرشناسه: مروی، حسین، قرن ۱۰

عنوان قرارداد: دیوان

عنوان و نام پدیدآور: دیوان خواجه حسین مروی، سرایندگان سده

دهم هجری قمری / مقدمه و تصحیح و تحقیق: ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد؛

[برای] مرکز آفرینش‌های ادبی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۲۶۵-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۰ ق.

شناسه افزوده: حبیبی‌نژاد، ذبیح‌الله، ۱۳۵۰ -

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. مرکز

آفرینش‌های ادبی

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۵۹ PIR611۲۲

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۲۰۰۵۳

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

فهرست

پیشگفتار | ۰۹

مقدمه | ۱۱

سلاطین عصر خواجه حسین مروی | ۱۳

جلال‌الدین اکبر، ممدوح خواجه حسین | ۱۷

بررسی منابع مورد استفاده در تصحیح | ۱۹

شرح احوال خواجه حسین مروی | ۲۶

نام و نسب و زادگاه | ۲۶

دیوان اشعار و قالب شعر خواجه حسین | ۲۸

نسخه اصلی دیوان خواجه حسین مروی | ۳۰

اقوال تذکره‌نویسان و پژوهشگران درباره خواجه حسین مروی | ۳۱

غزلیات | ۸۱

ترجیع‌بند | ۱۵۱

ترکیب‌بند | ۱۵۹

رباعیات | ۱۶۳

قصاید | ۱۹۳

اشعار پراکنده و قطعات | ۲۱۵

عکس | ۲۲۷

کتابنامه | ۲۳۷

www.ketab.ir

پیشگفتار

آنچه در دریای بی‌کران شعر و ادب فارسی مرا به اوج التذاذ معنوی می‌رساند، تحقیق در متون کهن فارسی است. مدت‌ها بود که از طعم شیرین تصحیح متن دور افتاده بودم، اما این عشق دیرینه، چون آتشی زیر خاکستر هرازگاهی با نسیمی نشتری بر دلم می‌زد تا به این عشق کهنه بازگردم و رویای آن اچو اطلسی دیبا لمس کنم. بر این عقیده‌ام که انگیزه تصحیح متن، چیزتی جز عشق و علاقه نمی‌تواند باشد و در کنار این علاقه آنچه به ثمر می‌رسد، بیای فرهنگ و ادب دیرینه ماست. رفتن به سمت و سوی نسخه‌نویسی که در قرون گذشته از شاعری یا کاتبی یا نویسنده‌ای تحریر شده است، رباترین احساس را در ذهن و جان پژوهنده متن به وجود می‌آورد و چه بسا از ذهن نویسنده این متون این اندیشه گذشته باشد که نوشته‌هایش زانو به دست نسلی دیگر برسد تا بهره‌ای بی‌منت از آن ببرند و یادی از سراینده و نگارنده آن بر زبان بیاورند. من هم به همان اندیشه و چه بسا رباترین، چه آن می‌نگرم تا این امانت گران‌بها را به نوعی حفظ کنم و آن را در دست زیباتر به زیور چاپ بیارایم. علاوه بر اینکه خود حظی وافر می‌برم می‌کوشم تا با بضاعت اندک خود این پاسداران شعر و ادب پارسی را به نوعی بیشتر معرفی کنم تا نسل‌های آتی هم از شهد گل‌واژه‌های این زبان زیبا کامشان شیرین شود.

خواجه حسین مروی یکی دیگر از سفیران بازمانده ادب و هنر

ایرانی است که نامش فقط در چند تذکره مسکوت باقی مانده بود و اکنون به یاری خداوند مهربان، با انتشار این دفتر، او نیز به جمع سفیران شعر و ادب فارسی نسل حاضر خواهد پیوست.

اگرچه دیوان خواجه حسین با حداقل امکانات و مدارک و اسناد موجود احیا گردید و بی گمان کاستی‌هایی هم دارد، انگیزه‌ای می‌شود برای پژوهشگران و آیندگان تا با بازایی آثار دیگر این شاعر توانا، که اکنون دور از دسترس است، آن را کامل‌تر و زیباتر عرضه بدارند، تا بیش از پیش بر فرهنگ و زبان سرزمینمان بیالیم و سفیران شایسته آن را ارج نهیم. در این فرصت مفتنم می‌دانم از حامیان و همراهان احیای این دفتر قدردانم: از دوست و برادر بسیار عزیزم، جناب دکتر بهروز ایمانی که یگانگانه نسخه این دیوان را در اختیارم قرار داد و همواره از محبت‌های بی‌شمار برخوردار بوده‌ام، بی‌نهایت سپاسگزارم. از همکار و پژوهشگر محترم سرکار خانم حمیده یادگاری، که در ترجمه مقاله‌ای از زبان اردو به فارسی یاری‌ام کرده‌اند، تشکر می‌کنم. همچنین، در بخش مهم به ثمر رسیدن این دیوان، از جناب دکتر علیرضا قزوه، شاعر و نویسنده فرهیخته معاصر و مدیر دفتر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، که با تدبیر و مناعت طبع ایشان این مجموعه به سرانجام رسید، سپاس ویژه دارم. در پایان نیز از جناب حمزه زاده، زیورآرای این دفتر و مدیر محترم انتشارات سوره مهر، که در تولید و انتشار این میراث ارزشمند حامی و راه‌گشا بوده‌اند، سپاس گزارم.

تهران - پاییز ۱۳۹۲

ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد

زبان و ادب فارسی، بیش از نهصد و پنجاه سال پیش، یعنی در دوره غزنویان، توسط بیان‌گذار این سلسله، سلطان محمود غزنوی، در شبه‌قاره هند، پاکستان نفوذ پیدا کرد. با ذوق و طبع لطیف و ادب‌پروری سلاطین این دوره، این زبان شیرین توانست از طریق شاعران، ادبا، و دانشمندان ایرانی در بین مردمان این سرزمین چون گوهری گران‌بها بدرخشد و دست زبان‌رسان و محاوره‌ای مردم شود. دوره غزنویان را می‌توان دوره تناسلی و پویایی زبان فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان برشمرد. غزنین، مرکز حکومت غزنویان، کانون مطمئنی برای شاعران، منجمان، فضلا، و دانشمندان ایرانی و شبه‌قاره بود که در دربار از ارج و قرب والایی برخوردار بودند. پس از سلطان محمود غزنوی، بیشتر خاندان او در ترویج فرهنگ و هنر ایران اهتمام ورزیده‌اند و دربار آن‌ها مأمنی برای سفیران علم و ادب بوده است. با حمله خاندان غوریان به غزنین (۴۴۳ - ۶۱۲ ق)، مرکز حکومت غزنویان از غزنین به شهر لاهور منتقل شد و بسیاری از شاعران و دانشمندان ایرانی در این شهر و شهرهای دیگر ایالت پنجاب سکنا گزیدند و، با تأسیس مدارس و مکاتب مختلف، لؤلؤی درخشان فرهنگ و زبان فارسی را در نقاط مختلف شبه‌قاره پراکندند.

از سال ۴۴۳ ق تا ۱۲۷۵ ق سلسله‌های مختلفی در شبه‌قاره ظهور کرده‌اند: غوریان، غلامان، خلجیان، تغلقان، سادات، سوریان، و امپراطوران مغولی (گورکانیان هند) اقوامی بودند که هر یک سهم بسزایی در ترویج و گسترش شعر و ادب فارسی بر عهده داشتند و پدیدآورندگان آثار فاخر فارسی را تکریم می‌نمودند و بسیاری از این پادشاهان خود نیز اهل ذوق و هنر بودند.

دوره‌ای که مدنظر نگارنده این دفتر است مربوط به دوره دوم تاریخ زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره است؛ دوره‌ای که امپراطوران مغول یا همان گورکانیان بر سرزمین هند حاکم بوده‌اند. در این دوره، همانند دوره‌های گذشته، زبان فارسی اقبال بی‌ظیری داشت و زبان رسمی دربار و زبان تلقی می‌شد.

با شکست خاندان لودی‌ان توسط ظهیرالدین محمد بابر (۹۳۲ ق)، زبان فارسی بخش وسیع دیگری از هند را در بر گرفت. بابر مردی سخن‌شناس و شاعر و ادیب بود. دربار او نیز ملجأ و مأمنی برای شاعران و عارفان فارسی‌زبان محسوب می‌شد و همواره کاروان فرهنگ و ادب پارسی مورد تکریم و احترام این پادشاه بوده است. بابر شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌پسندید و از او یک دیوان و یک منظومهٔ مثنوی و همچنین رسالهٔ «الذیة خاتمه» ناصرالدین احرار، که بابر آن را به نظم درآورده بود، به جای مانده است. او همچنین رسم الخطی ابداع کرد که به نام خودش، یعنی «رسم الخط بابری»، شهرت یافت. دورهٔ این پادشاه در شبه‌قاره مصادف با حکومت صفویان در ایران. برخی از محققان بر آن‌اند که علت مهاجرت شاعران ایرانی در این دوره به هند بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری بوده است، در حالی که شاه اسماعیل صفوی، خود، شاعری توانا و ادب‌پرور بود که مثنوی هزار و چهارصد بیتی او، موسوم به ده‌نامه، در

استانبول و باکو به طبع رسیده است.

احمد گلچین معانی، در کتاب کاروان هند، علل اصلی مهاجرت بسیاری از شاعران این دوره به هند را نه از بی توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری، بلکه علل و جهات دیگری می‌داند:

خروج شاه اسماعیل اول، سخت‌گیری‌های مذهبی شاه طهماسب، فتور ارباب مناصب در زمان شاه اسماعیل دوم، و قتل عام شاهزادگان که مروج شعر و مریی شاعران بودند و فتنه اوزبکان، هجوم عساکر روم به دفعات، دعوت شاهان هند از ایشان، همراهی سفیران ایران، گریز از تهمت و بد مذهبی، رنجش ناخرسندی، قلع و قمع سران طایفه خود در عهد شاه عباس اول، آزدگی از خویشان یا همشهریان، درویشی، قلندر سفایف، تجارت، سیاحت، عیاشی، خوش‌گذرانی، ناسازگاری روزگار، بدا کردن کار، راه یافتن به دربار و پیوستن به آشپزخانه پادشاهان بود که در آن سامان مقام و منصبی داشتند، همه و همه از جمله علل مهاجرت شاعران بوده است.^۱

سلاطین عصر خواجه حسین مروی

با مرگ ظهیرالدین بابر در سال ۹۳۷ هجری قمری، رزند، همایون، بر تخت پادشاهی نشست. همایون نیز، همچون پدرش، مردی دانشمند و هنرپرور بود. هفت سال بعد، یعنی در ۹۴۶ هجری قمری، شیرشا افغان، از خاندان سوریان، معروف به «شیرخان»، با سپاهی به قصد تصرف سرزمین هند و گرفتن تاج و تخت همایون‌شاه به آنجا حمله

۱. احمد گلچین معانی، کاروان هند، ج ۱، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص پنج (مقدمه).